حق مهرورزی به عنوان حقوق بشر

به بهانه فرا رسیدن نوروز

دکتر محمود مسائلی

**به بهانه نوروز، بیستم مارس ٢٠٢٢**

**حق مهرورزی به عنوان حقوق بشر**

**دکتر محمود مسائلی**

**مدیر مرکز مطالعات عالی حقوق بشر و توسعه دمکراتیک**

**باز نشر از سایت آگورا ایران آکادمیا**

نوروز فرا می رسد و با خود پیام عشق ورزیدن به حیات و رشد و شکوفایی انسان را نوید می دهد. این عشق ورزی صلح دوستی و همبستگی میان نسلها و درون خانواده ها، و همچنین آشتی و همسایگی را ارتقا می بخشد. بنابراین پیام نوروز دوستی میان مردم و جوامع مختلف و پیشبرد تنوع فرهنگی است. از همین روی، فرهنگ نوروز طی قرون و اعصار در بخش های بزرگی از جهان گرامی داشته شده و برای مردمان بیشماری موهبت دوست داشتن یکدیگر، عشق ورزیدن به حیات، و زیبایی را فراهم آورده است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در جلسه شصت و نهم خود در سوم فوریه سال ۲۰۱۰ طی قطعنامه شماره ۲۵۳ روز بیست ویکم ماه مارس را به عنوان روز جهانی نوروز اعلام کرد. جالب اینکه این قطعنامه توسط نه فقط کشورهای فارسی زبان ایران، افغانستان، و تاجیکستان، بلکه آذربایجان ، آلبانی ، جمهوری مقدونیه ، هند ، قزاقستان ، قرقیزستان، ترکیه، و ترکمنستان پیشنهاد و متن آن تهیه شده بود.

بند چهارم قطعنامه حاوی مهمترین بخش این قطعنامه است. سازمان ملل متحد از: "كشورهایی كه نوروز در آنها برگزار مي شود، می خواهد كه ريشه ها و سنت های اين جشن را با هدف (توسعه و) انتشار دانش مربوط به ميراث نوروز در جامعه بین المللی بررسی نمایند". درحقیقت جامعه جهانی با شناسایی رسمی نوروز می خواهد سنتی فرهنگی که طی بیش از سه هزار سال توسط بیش از سیصد ملیون نفر در ایران، افغانستان، تاجیکستان، در حوزه بالکان، حوزه دریای سیاه، قفقاز، آسیای میانه، خاورمیانه و سایر مناطق جشن گرفته می شود را به جهانیان معرفی و مواهب آنرا در اختیار صلح بین المللی قرار دهد. سازمان ملل متحد همچنین از كشورهای عضو علاقه مند، به ویژه آژانس های تخصصی، صندوق ها و برنامه های ملل متحد، و به طور عمده سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد، دیگر علاقه مندان بین المللی و منطقه ای، و نیز سازمان ها، و همچنین سازمان های غیر دولتی درخواست کرده بود برای شرکت در جشنواره های نوروز شرکت کنند..

پیشتر در سال ۲۰۰۹، سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد موسوم به یونسکو نوروز را به عنوان یک سنت فرهنگی، و یک جشن اجدادی که مقارن با اولین روز بهار و تجدید طبیعت می باشد را در فهرست میراث فرهنگی بشریت قرار داده بود. به تصدیق یونسکو، بزرگداشت نوروز به معنای تأیید زندگی هماهنگ با طبیعت، آگاهی داشتن از پیوندی ناگسستنی بین کارهای سازنده و چرخه طبیعی، تجدید و نگرشی احترام آمیز نسبت به منابع طبیعی زندگی است. دبیر کل یونسکو در پیام نوروزی سال ۲۰۲۰ ضمن تاکید بر گرامی داشت نوروز، این غزل از حافظ را به عنوان سند اهمیت نوروز آورده بود " نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد. عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد". او در پیام خود تاکید کرده بود که "پیام امیدی که جشنواره نوروز می دهد ، همانند جشن های جشن مقدس باربارا در لبنان و سنت ژوزف در ساردینیا ، و همچنین جشنواره های قبطیان مصر باستان، و یا جشنواره الهه عشق و زیبایی در یونان باستان، باعث امید می شود. با آوردن جوانه ها و شاخه ها، همه این جشنواره ها زندگی بهار و باروری جهان را جشن می گیرند". [[1]](#footnote-1)

نتیجه ساده ای که از شناسایی جشن های نوروزی توسط جامعه بین المللی با این استقبال روشنفکرانه فرهنگی گرفته می شود ، به سادگی این است که نه تنها ملتها باید از حق طبیعی عشق ورزیدن به حیات و زیبایی پرستی برخوردار باشند، بلکه باید همچنان به گونه ای توانمند شوند تا بتوانند این عشق ورزی را در خدمت همبستگی و صلح در خانواده بشری قرار دهند.

پرسشی که نوشتار کوتاه به بحث می گذارد این است که آیا می توان این مهرورزی را به عنوان حقوق بشر برای انسان دانست؟ منظور این است که آیا عشق ورزیدن و زیبایی پرستی امری داوطلبانه است که هر فرد باید حق داشته باشد آنرا تجربه کند، یا اینکه می تواند، و باید، در توسعه و پیشرفت فرهنگ عشق ورزی و صلح دوستی میان ملتها مشارکت داشته باشد؟ پاسخ به این پرسش غیر عادی شاید بسیار مشکل باشد. مفاهیم عشق ورزی و حقوق بشر دو مقوله متفاوت و به عبارتی غیر قابل جمع به نظر می رسند. حقوق بشر به عنوان گفتمانی که مورد تصدیق جامعه جهانی قرار گرفته است در پی احیا و پیشبرد حق برخورداری از آزادی های اساسی بر اساس برابری شرافت و کرامت ذاتی انسان است. برای دست یابی به چنین اهدافی جوامع لیبرال دمکراسی در سیاستگذاری عمومی و نیز در رفتار جهانی خود قوانین حقوق بشر بین المللی را پذیرفته اند. این درحالی است که عشق ورزیدن تجربه عمیق احساسات و عواطف انسانی است که از هر نوع مرز و قید و بند سیاسی و یا حقوقی خارج می باشد. حقوق بشر مفهومی عقلایی و مرتبط با امور اجتماعی و سیاسی است، در حالیکه عشق نهایت زیبایی و پرواز تا اوج کهکشان هاست. اولی دستیابی به برابری و عدالت اجتماعی را لازمه تحقق اهداف خود می داند. در حالیکه دومی حوزه شور و شیدایی یعنی "فریاد دل خسته پروانه عشق" می باشد. آیا می توان نوعی همپرسگی (دیالوگ) و رابطه ای میان حقوق بشر و زیبایی عشق ورزی تعریف کرد؟ اصلا چرا باید به این رابطه توجه داشت؟

در نگاهی ساده به اسناد حقوق بشر بین المللی نمی توان هیچ ارجاع روشن و مستقیمی به مفهوم عشق و زیبایی پرستی یافت. هر آنچه در گفتمان حقوق بشر بین المللی وجود دارد بطور عمده بر حق برخورداری از آزادی، عدالت خواهی، و صلح جویی دلالت دارد. این در حالی است که با گذشت بیش از هفتاد سال از ظهور نخستین اسناد حقوقی بین المللی برای حمایت و پیشبرد حقوق بشر، هنوز جامعه جهانی با معضلات پیچیده ای که دشمنان بشریت در پیش روی نهاده اند، مواجه و حتی درمانده است. جهل و بی خردی، جزم گرایی و تصلب آیینی، کوته نظری و خود خواهی، و حزم اندیشی و مصلحت طلبی، و سفله گری آیینی و هرزگی اخلاقی، نه تنها آفات پنهان و نهان عشق ورزی و زیبایی پرستی، بلکه از مرموز ترین دشمنان استقرار آزادی خواهی، رهایی بخشی، حقوق بشر، عدالت اجتماعی، رشد اجتماعی، و شکوفایی انسانی شده اند. این در حالی است که اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده یک با تصدیق "آزادی و برابری ذاتی و شرافت و حیثیت انسانی"، و تاکید بر "عقل و وجدان"، به صراحت اعلام می دارد که برای گرامی داشت مقام آدمیان همه مردم و جوامع "باید با یکدیگر برادرانه رفتار کنند". این فراخوان به روحیه برادری در اعلامیه جهانی از اهمیت عشق ورزی و زیبایی پرستی نشان دارد. ولی علی رغم این تاکید و اشتیاق جامعه بین المللی، دشمنان رشد و شکوفایی انسان نه تنها مفاهیم زیبایی و عشق ورزی را به سطحی ترین معنای ممکن تقلیل می دهند، بلکه به دلیل خودخواهی ها و زیاده خواهی، تحقق اهداف عالیه حقوق بشر را با ناکامی مواجه می سازند. شایان ذکر است که مایه ها ی اخلاقی و منابع اصلی روشنفکرانه گفتمان حقوق بشر، همانند اعلامیه حقوق انسان و شهروندان فرانسه (١٧۸٩)، تحقق آزادی و حقوق بشر را به علقه های برادری (عشق ورزی به یکدیگر و ستایش زیبایی حیات) منوط دانسته است. نشانه های تاریخی دیگری نیز اهمیت عشق ورزی را به عنوان آرزویی دیرپا برای بشریت نشان می دهند. به عنوان مثال، برای همه ایرانیان این افتخار همواره در تاریخ و اصالت های فرهنگ آنان وجود داشته است تا فرامین کورش کبیر را برای مهر ورزی و رفتار برادرانه را در سر لوحه منش اجتماعی خود قرار دهند. و یا امانوئل کانت در تقدیس "اصل انسانیت"، که خمیر مایه اصلی گفتمان حقوق بشر امروز را بوجود آورده است، عشق ورزی و مهربانی در نیت و خواست آدمیان جستجو می کند و به همین دلیل توضیح می دهد که آنرا به کسی فرمان داد چرا که هرکس به حکم وظیفه انسانی آنرا می شناسد.[[2]](#endnote-1) انسانها به موجب عقلانیت انسانی خود می دانند که باید هدف نهایی حیات را بر مبنای عشق ورزی به بشریت قرار دهند. ژاک ماریتین از تهیه کنندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز با تمرکز بر هم پیوندی آدمیان در عشق ورزی، اساسا انسان را وجودی می داند که در اشتیاق هماهنگ دانش و عشق روابط اجتماعی را بنیاد می نهد. به همین دلیل، ماریتین توضیح می دهد که عشق ورزیدن تنها حلقه مستحکم روابط میان آدمیان است. این عشق ورزی منبع هستی انسان، خوب بودن، و اقدام اجتماعی بر اساس آن است.[[3]](#endnote-2) آیا این زیبایی عشق ورزیدن و وظیفه تسلیم در برابر اصل مقدس انسانیت در تفاسیر معاصر حقوق بشر فراموش شده است؟

از آنجاییکه موضوع شرافت و حیثیت انسان بعنوان سرمایه ای متعالی و پایان ناپذیر در اعلامیه جهانی حقوق بشر تصدیق و مورد تاکید قرار گرفته است، ضرورت حفاظت و پیشبرد آن بازتاب دهنده همان عشق ورزی به "اصل انسانیت" است که به عنوان آرزوی دیرپا همواره مورد توجه جهانیان بوده است. ولی این صراحت با زبان عشق در اعلامیه جهانی بیان نشده است. اعلامیه جهانی هم در حقیقت چیزی مگر یک فراخوان به اصالت انسانیت و احترام به آن نمی باشد. این فراخوان مرزهای محدود احترام گذاشتن صرف به حقوق انسان ها را پشت سر گذاشته، و عشق ورزیدن به انسانیت را به عنوان وظیفه ای قطعی که نیاز به نظم و تمرکز ، ایمان و شجاعت ، و غلبه بر خو د-شیفتگی دارد، دعوت می کند. علاوه می توان با تفاسیری موسع دامنه عشق ورزی به انسان را به حیطه های گسترده تری کشانده و اسناد حقوق بشری معتبری را به عنوان نشانه شناسایی جهانی عشق ورزیدن به عنوان حقوق بشر معرفی کرد. به عنوان مثال می توان به این اسناد حقوق بشری توجه داشت: میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی[[4]](#footnote-2) در سال ١٩٦٦؛ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی[[5]](#footnote-3) در همان سال؛ مقاوله نامه بین المللی حمایت از حقوق کلیه کارگران مهاجر و خانواده های آنها[[6]](#footnote-4) در سال ١٩٩٠؛ مقاوله نامه امریکایی حقوق بشر[[7]](#footnote-5) در سال ١٩٦٩؛ منشور افریقایی حقوق بشر و مردم[[8]](#footnote-6) در سال ١٩۸١؛ مقاوله نامه بین المللی حذف همه اشکال تبعیض نژادی[[9]](#footnote-7) در سال ١٩٦٩؛ و مقاوله نامه بین المللی حذف تبعیض علیه زنان[[10]](#footnote-8) در سال ١٩٧٩ اینها همه از جمله اسناد تعهد آموری حقوق بشر می باشند که می توانند منبع الهامی برای حق عشق ورزیدن به عنوان حقوق بشر تلقی شوند.

شایان ذکر است که قوانین حقوق بشر بین المللی احترام به حقوق و آزادی های بنیادین و پیشبرد آنها را به گونه ای تصریح می دارد که نمی تواند از ترسیم چهره عاشقانه انسان و هویت زیباپرست او جدا باشد. عشق به خانواده، دوست داشتن حیوانات، وظیفه حفاظت از محیط طبیعی و زیست بومی، عشق به زندگی صلح آمیز، اهمیت آموزش و آگاهی، و عدالت محوری، همه از موارد و مثال هایی هستند که رابطه صمیمانه انسان با خویش، دیگران، و محیط پیرامونی را توضیح می دهند. همچنین ارزشهای اصلی گفتمان حقوق بشر شامل برابری ،حیثیت انسانی، احترام به یکدیگر و مدارا ، آزادی به معنی رها بودن از دردها و نیز تلاش برای کاهش درد های دیگران، عدالت جویی، مسئولیت با یکدیگر در صلح و صفا زیستن، همه و همه نیاز به زیبایی حیات به عنوان یک کل انداموار را هرچه بیشتر نشان می دهد. حقوق همبستگی از دیگر نشانه های عشق ورزی در گفتمان حقوق بشر است. سند پایانی کنفرانس حقوق بشر تهران در سال ۱۹۶٨ با صراحت خاصی ضرورت عشق ورزیدن به یکدیگر را به عنوان حق همبستگی مورد اذعان قرار داد. در این سند تعداد بیست و چهار قطعنامه که توسط کنفرانس اتخاذ شده بودند گنجانده شده است که مواردی مانند حذف تبعیض نژادی، حق تعیین سرنوشت، پیشبرد حقوق زنان، را در بر می گیرد که از مهمترین اسناد حقوقی مربوط به اهمیت همبستگی میان ملل برای حفاظت از حیات انسانی می باشند.[[11]](#footnote-9) مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه ۱۹۶۹ در خصوص پیشرفت اجتماعی و توسعه ملت ها خاطر نشان ساخت که بشریت به دلیل هویت یکپارچه و غیر قابل تقسیم نمی تواند از حقوق همبستگی و با هم بودن جدا باشد. تلاش برای تثبیت حقوق همبستگی عاملی موثر در کاهش رقابت‌های دو قطبی دوران جنگ سرد و پیدایش عزمی نوین در تعریف مفهوم انسان و ظهور امواج جدید نهضت‌های انسانی باید دانست.

از سالهای پایانی جنگ سرد، ذوق عشق ورزیدن که گرفتار محدودیتهای آیینی (ایدئولوژیک) میان قدرتهای بزرگ در دوران جنگ سرد بود، توانست چهره نوینی از حقوق بشر را به نمایش گذارد که در آن زیبایی حیات و معانی عمیقتری از زندگی جایگاه والایی یافته اند. به موجب این رویکرد نوین، آموزش برای فهم متقابل و رسیدن به تفاهم در همه عرصه های زندگی خانواده بشری، پایان بخشیدن به جدایی ها و تفرقه ها برای شکل گیری مفهومی نوین از یک "همه ما با هم در عرصه جهانی"، همپرسگی (دیالوگ) برای یادگیری متقابل و شناسایی متقابل برابری تفاوتها، و پایان بخشیدن به مصونیت از جزای کیفری دولتهای جنایتکار، جهانی پر جاذبه و امید بخش را بشارت دادند که در آن "اصل انسانیت" باید معیار همه قضاوت ها و رفتار ها باشد. شناسایی حقوق زنان به عنوان بازیگران اصلی جامعه انسانی، حقوق دسترسی به اطلاعات، حقوق رسانه‌ های آزاد، حقوق نسل‌های آینده، حقوق مرتبط با ابعاد مختلف و گونه‌های بیولوژیک، حقوق مرتبط با حفاظت و نگهداری از تمدن‌ ها، حقوق حیوانات، و حقوق مشتمل بر انسانی ‌سازی و اجتماعی ‌ساختن حیات انسانی، که از اجزای نسل نوینی از حقوق بشر می باشند، رابطه ضروری میان حقوق بشر و عشق ورزی را دو چندان نموده است.

امواج جدید حقوق بشر نیاز به عشق و مهربانی، زیبایی حیات و ضرورت حفظ حیات انداموار، و با هم بودن در پیکره واحد خانواده بشری را به عنوان مهمترین مایه ادامه زندگی صلح آمیز و عادلانه می داند. در حقیقت این آموزه های نوین می آموزد که حقوق بشر یعنی عشق ناب به بشریت، یعنی با هم بودن، و با هم زیبایی های جهان را تجربه کردن. عشق و زیبا پرستی تنها راه نجات بشریت از معضلات جهانی و از جدایی ها و کینه توزی هاست. پیام نوروز ندای رهایی از خودپرستی و فراخوانی است برای عشق ورزیدن به خانواده بشری، و سرودی است برای زیبایی و زیبا پرستی. آیا حقوق بشر چیزی بجز همین مهرورزی و زیبا پرستی است؟

بلند آوازه شد ايــــــــــــــــــــــران پيـــــــــــــروز چو از البرز ســــــــــــــــــــر زد قرص نوروز

پديـــــــــد آمد به صـــــــــــــــــحرا لاله و گل ز اقبال بلند عيـــــــــــــــــــــــــد نوروز

گــــــــهر باران سپــــــــــــــــــهر و بام ايــــــــــــــــــران اهورا وش نســـــــیم صبح ایــــن روز

به فروردین ز فـــــــــــــــــر پاک یـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــزدان همه اهریمنان خـــــــــوار و ســـــــــیه روز

 نگهبانان میهــــــــــــــــــن پشته با هم سپهداران یـــــــــــزدان شاد و پيــــــــروز

دد و ديو و تبهکاری نيايــــــــــــــــــــــــــــــــــد چو آرد کاوه بانــــــــــگ اهـــــــرمن ســوز

که ای ياران بجوشيد و خروشــــــــید چنان چون گرد باد آتش افـــــــــروز

کژی ناید دگر بر شاخـــــــــــــــــــــــــــــــــــــه و بــن نشاید خامشی ماه شب افـــــــــــــــروز

دگــــــــــر شــب را نباید جای مانـــــــــــــــدن کنـــــــــــون آوای آزادی بیـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــاموز

کمی مهجور هش دار وخموش آی به پاس حـــــــــرمت این روز پـــــــــــــــــــیروز

محمود مسائلی (مهجور) - آتاوا

1. https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000373017\_eng/PDF/373017eng.pdf.multi [↑](#footnote-ref-1)
2. Kant, I. (1785 – 1998). *Groundwork of the Metaphysics of Morals*. Gregpr, M. J. (Trans). Cambridge, USA: Harvard University Press, 4: 400. [↑](#endnote-ref-1)
3. Maritain, J. (1940 – 2011). *Scholasticism and Politics*. Adler, M. J. (Eds.). Carmel, USA: Liberty Fund, p. 12. [↑](#endnote-ref-2)
4. International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR) [↑](#footnote-ref-2)
5. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR) [↑](#footnote-ref-3)
6. International Convention on the Protection of the Rights of All Migrant Workers and their Families (ICRMW) [↑](#footnote-ref-4)
7. American Convention on Human Rights (ACHR) [↑](#footnote-ref-5)
8. African Charter on Human and Peoples’ Rights (ACHPR) [↑](#footnote-ref-6)
9. The Convention on the Elimination of Racial Discrimination (CERD) [↑](#footnote-ref-7)
10. Convention on the Elimination of Discrimination Against Women (CEDAW)  [↑](#footnote-ref-8)
11. https://legal.un.org/avl/pdf/ha/fatchr/Final\_Act\_of\_TehranConf.pdf [↑](#footnote-ref-9)